

نگاهی دیگر به جامع احادیث الشیعة - جمال فرزند وحی، امیر فتاحی

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال چهاردهم، شماره ۵۶ «ویژه کتابشناخت متون امامیه»، پاییز ۱۳۹۶، ص ۸۴-۱۱۴

نگاهی دیگر به جامع احادیث الشیعة

جمال فرزندوحی*

امیر فتاحی**

چکیده: در این پژوهش جامع احادیث الشیعة که به کوشش آیت الله بروجردی و زیر نظر ایشان تألیف شده است؛ مطالعه می‌گردد. ابتدا انگیزه مؤلفان و روند نگارش این اثر بیان می‌شود. سپس به بیان ویژگیهای ساختاری آن پرداخته شده است. همچنین امتیازات، نقاط ضعف این مجموعه، روش‌ها و مبانی فقه الحدیثی مؤلف در شرح و نقد روایات مورد بررسی قرار گرفته و در آخر نظرات فرهیختگان و اندیشمندان پیرامون این اثر بیان شده است. این کتاب با برخورداری از امتیازاتی همچون جامعیت نسبت به سایر تألیفات، دقت در نقل احادیث و تبویب بدیع ابواب، از کامل‌ترین و دقیق‌ترین مجموعه‌های احادیث فقهی می‌باشد. از جمله نقاط ضعف آن می‌توان به: تقطیع آیات الاحکام، غفلت در مراجعه به کتب اصلی و مشخص نبودن اسانید برخی از روایات اشاره کرد. همچنین مبانی خاص آیت الله بروجردی، در حوزه درایه و رجال، و فقه الحدیث در این مجموعه اعمال شده است، از جمله: شناخت معنای مفردات، تبعیت از دلیل در فتاوی، مرجعیت قرآن و سنت معصومین در سنجش اعتبار روایات. **کلیدواژه‌ها:** جامع احادیث الشیعة، آیت الله بروجردی، احادیث فقهی.

*. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه رازی کرمانشاه.

**. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث fatahi668@gmail.com

تألیف یک مجموعه جامع حدیثی که محدثان را از رجوع به سایر منابع بی‌نیاز کند؛ همواره مورد توجه و اهتمام محدثان و مؤلفان این عرصه بوده است. یکی از آثار گرانبها و برجسته در این زمینه، کتاب شریف جامع احادیث الشیعة فی احکام الشریعة است که توسط مرحوم آیت‌الله سیدحسین طباطبائی بروجردی و گروه علمی زیر نظر ایشان تألیف شده است. آیت‌الله بروجردی با وقوف بر منابع حدیث شیعه بخصوص کتاب وسائل الشیعة که از مهمترین جوامع حدیثی فقه شیعه می‌باشد؛ و با علم به برخی از اشکالات و کاستی‌های این اثر، معتقد بودند که به سبب این کاستی‌ها، لازم است یک اصل جامع و کامل احادیث فقهی بر طبق مذهب تشیع، با تهذیب، تکمیل، تنقیح و تتمیم کتاب وسائل الشیعة تألیف شود. (طباطبائی بروجردی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۲۸) این انگیزه ایشان و همکاران وی را بر آن داشت که به تألیف این مجموعه جامع حدیثی همت گمارند و حاصل این تلاش، تدوین این کتاب در اواخر عمر با برکت ایشان است.

در تحقیق حاضر تلاش شده است به منظور آشنایی و شناخت بهتر، این اثر ارزشمند از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار گیرد.

۱- مروری بر زندگی مؤلف

سیدحسین طباطبائی بروجردی، فرزند سیدعلی طباطبائی، در سال ۱۲۹۲ ه. ق در بروجرد متولد گردید و در خانواده علم، تقوی و فضیلت رشد کرد. ایشان در بروجرد و نزد پدر و اساتید دیگر مقدمات علوم مانند دروس صرف و نحو، منطق، معانی و بیان، بدیع، فقه و اصول را آموختند. در ۱۸ سالگی رهسپار اصفهان و مدرسه صدر شدند. (اباذری، ۱۳۸۰، ص ۱۷-۱۸) در این مدرسه علمی، مدت چهار سال در محضر اساتید بزرگی چون: میرزا ابوالمعالی کلباسی، سید محمد

از مهم‌ترین اقدامات مذهبی و اجتماعی وی ساختن چندین کتابخانه، بیمارستان، مدرسه علمیّه و مسجد است؛ از آن جمله مسجد اعظم قم و مسجد هامبورگ آلمان را نام برد. (واعظ زاده خراسانی، ۱۳۸۵، ص ۵۴) سرانجام وی در دوازدهم ماه شوال سال ۱۳۸۰ ه. ق، مطابق دهم فروردین سال ۱۳۴۰ ه. ش، در سن هشتاد و هشت سالگی در قم رحلت کرد. (دوانی، ۱۳۷۹، ص ۵۲۶-۵۲۸)

آیت الله بروجردی بخش عظیمی از زندگی خویش را در راه پر بار ساختن مکتب فقهی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام سپری ساخت و در فقه و فقاہت مقام بس شامخی را حائز گردید. تألیفات بسیاری - قریب به چهل کتاب و رساله - از ایشان به یادگار مانده است که از آن میان می توان به آثار زیر اشاره کرد:

- جامع احادیث الشیعه فی احکام الشریعه.
- تعلیقه بر اسفار ملاصدرا.
- حاشیه بر کفایه الاصول آخوند خراسانی.
- حاشیه بر نهایه شیخ طوسی.
- بیوت الشیعه (پیرامون خاندانهای علمی و دینی شیعه).
- تجرید اسانید الکافی.



- تجرید اسانید التهذیب.

- اسانید کتاب من لا یحضره الفقیه.

- اسانید رجال کشی.

- اسانید استبصار.

- اسانید کتاب خصال شیخ صدوق.

- اسانید کتاب امالی.

- اسانید کتاب علل الشرایع صدوق.

- تجرید فهرست شیخ طوسی.

- تجرید رجال نجاشی.

- حاشیه بر عروه الوثقی.

- حواشی کتاب مبسوط شیخ طوسی.

- رساله‌ای راجع به سند صحیفه سجادیه، حاوی پاسخ به اشکالاتی که بر سند آن وارد شده است. در این کتاب سلسله اجازات خود را نقل کرده‌اند.

- اصلاح و مستدرکات رجال شیخ طوسی. (تمری، ۱۳۸۷، ص ۱۲۲؛ شکوه فقاہت، ۱۳۷۹، ص ۲۲۳)

۲- انگیزه و روند تألیف کتاب

در حوزه منابع احادیث فقهی، کتاب وسائل الشیعة به سبب ویژگیهای برجسته از جمله جامعیت، دقت در نقل متن و سند روایات و سهولت استفاده از آن، از همان زمان نگارش، به عنوان منبع اصلی روایات فقهی، مورد توجه علما و فقهای شیعه قرار گرفته است. مرحوم آیت الله بروجردی ضمن ارج نهادن به کتاب وسائل الشیعة، معتقد بود که این کتاب به سبب برخی کاستی‌ها و اشکالات، نیازمند تنقیح و تکمیل است. ایشان در مقدمه کتاب خود ذکر می‌کنند که در کتاب وسائل، کاستی‌هایی وجود دارد، از جمله:

- تقطیع و پاره پاره شدن احادیث در وسائل الشیعة که این خود موجب شده یک حدیث در چندین باب گوناگون بیاید. از این رو مجتهد در مقام استنباط فقهی به درستی نمی‌تواند متوجه فضای صدور حدیث و قرائن موجود در متن آن شود. از سوی دیگر، تقطیع سبب تکرار اسناد احادیث و زیاد شدن ابواب کتاب و در نتیجه پر حجم شدن کتاب گشته، تا آنجا که گفته‌اند نزدیک به یک سوم احادیث آن تکراری است.

- عدم ذکر آیات مربوط به احکام در ابتدای ابواب.

- آمیخته شدن احادیث آداب و سنن با احادیث فقهی.

- نقل نکردن دقیق برخی از احادیث کتب اربعه، به طوری که گاه معنای احادیث نقل شده در وسائل با احادیث اصلی تفاوت می‌کند.

- در پاره‌ای از ابواب، همه احادیث یک موضوع ذکر نشده و بر عکس احادیث دیگری نقل شده است که با آن موضوع مرتبط نیستند.

- صاحب وسائل الشیعه در ارجاع خواننده به دیگر احادیث هم مضمون، تعبیر مبهم مانند تَقْدَم یا یأتی به کار برده و نشانی حدیث مورد اشاره را دقیقاً معلوم نکرده است. (طباطبائی بروجردی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۳۲)

این کاستی‌ها و ضعف‌ها، آیت‌الله بروجردی را بر آن داشت تا طرح اثری را پیشنهاد کند که در بر دارنده تمامی احادیث فقهی و دارای باب‌بندی مناسب و بدون تکرار و تقطیع باشد. با استقبال شاگردان از این طرح، اجرای آن به اهتمام شماری از آنان و با اشراف و نظارت مستمر خود ایشان، آغاز شد. در ابتدا قرار بود که این کتاب، تنها ناظر به احادیث کتاب وسائل الشیعة باشد و با نام تهذیب الوسائل منتشر شود؛ اما در ادامه کار تصمیم گرفته شد که کتاب، شامل تمام احادیث فقهی شیعه باشد؛ از این رو، احادیث فقهی که در مصادر اولیه حدیثی

یافت شد؛ ولی در وسائل الشیعة و مستدرک الوسائل نیامده بود؛ بدان افزوده شد. نام کتاب را آیت‌الله بروجردی خود برگزید. پس از حدود هفت سال کار گروهی آیت‌الله بروجردی و همکارانش، کار فیش برداری از احادیث به پایان رسید و ایشان از میان شاگردان سه نفر را برای بازبینی و آماده‌سازی نهایی انتخاب کردند؛ که عبارت بودند از: شیخ اسماعیل معزّی ملایری، شیخ علی پناه اشتهاردی و شیخ محمد واعظ زاده خراسانی. پس از چاپ نخستین جلد این مجموعه، آیت‌الله بروجردی وفات کردند. سپس آیت‌الله اسماعیل معزّی ملایری کار ادامه بازبینی را به عهده گرفتند و با مساعدت آیت‌الله خوئی نخستین دوره کتاب به طور کامل به چاپ رسید.

۳- ویژگیهای کتاب

۳-۱- موضوع کتاب

موضوع این کتاب، روایات فقهی است که به زبان عربی نگاشته شده و با چینش و نظم خاص برای تسهیل مراجعه فقها تنظیم گردیده است. علاوه بر این، روایات سنن، آداب، اخلاق، دعاها و اذکار نیز به صورت مستقل در این کتاب، پس از روایات فقهی ذکر شده است.

۳-۲- ساختار کتاب

این کتاب به لحاظ ترتیب کتابها و اسلوب همانند کتاب وسائل الشیعة بوده و همان روش معمول فقها و محدثان را در پیش گرفته است. در ترتیب ابواب و فصول، نیز ترتیب کتاب وافى را به کار برده است. با مقایسه جامع الاحادیث با سایر منابع حدیثی، به ویژه وافى و وسائل، در عین اختصار می‌توان گفت این اثر از لحاظ ترتیب کتب و ابواب، بر سایر کتب حدیث، برتری دارد. مجلد اول کتاب با مقدمه‌ای شامل تاریخ تدوین حدیث شیعه و سیر آن از

دوران اولیه تا متأخران شروع می‌شود. سپس ضمن بیست باب، عناوینی آورده که جنبه مقدماتی نسبت به احادیث احکام دارد؛ از جمله بحث حجیت سنت رسول اکرم ﷺ و احادیث ائمه اطهار علیهم‌السلام، عدم جواز رأی و قیاس، بحث از شرایط تکلیف، لزوم نیت در عبادات و...

تألیف مقدمه را آیت‌الله بروجردی خود آغاز کرد و پس از وفات وی، فرزندش سید محمدحسن آن را تکمیل نمود. از جلد دوم به بعد، به احادیث احکام پرداخته است که از کتاب طهارت آغاز و به کتاب دیات و قصاص ختم شده است.

۳-۳- تعداد روایات

جامع احادیث الشیعه طبق شمارشی که در چاپ ۳۱ جلدی آن صورت گرفته ۴۸۳۴۲ حدیث دارد.

۳-۴- روش شماره‌گذاری احادیث

در این کتاب، هر حدیث، در آغاز متن، دو شماره دارد. شماره اول، شماره پیاپی احادیث کتاب و شماره دوم که در میان دو هلال قرار می‌گیرد، شماره احادیث همان باب است. در ذیل برای فهم بهتر، به عنوان نمونه یک حدیث از این کتاب ذکر می‌شود:

باب آنّه لا بیع إلّا عن ملک عدا ما استثنی

۳۲۴۴۵- (۸) فقیه ۹/۴، أمالی الصدوق ۳۵۰: (وفی حدیث المناهی عن رسول ﷺ) قال: ومن اشتری خیانة وهو یعلم فهو کالذی خانها.

شماره ۳۲۴۴۵ شماره پیاپی این حدیث در جامع الاحادیث و عدد ۸ به این معنی است که حدیث مذکور، هشتمین حدیث در این باب می‌باشد. همچنین حدیث مذکور در صفحه ۹ از جلد ۴ کتاب الفقیه و صفحه ۳۵۰ از کتاب امالی

شیخ صدوق واقع شده است.

۴- منابع و مصادر کتاب

در این اثر از بین منابع حدیث شیعه معمولاً از منابع اصلی، به خصوص کتب اربعه استفاده شده است. البته در ارجاع حدیث از این منابع، غالباً به جای ذکر نام منبع، از علائم خاصی استفاده شده است که در ذیل اهم این منابع و علامت اختصاری آنها ذکر می‌شود:

- کافی (کا)

- بحارالانوار (بحار)

- من لایحضره الفقیه (فقیه)

- تهذیب الاحکام (یب)

- استبصار (صا)

- وسائل الشیعه (ئل)

- مستدرک الوسائل (ک)

- معانی الاخبار (معانی)

- دعائم الإسلام (دعائم)

- بصائر الدرجات (بصائر)

- قرب الاسناد (قرب)

البته این علائم غالباً در چاپ اول این کتاب به کار رفته و در چاپهای بعد غالباً نام کامل منبع ذکر شده است.

۵- امتیازات کتاب

در مقدمه این کتاب به تفصیل ۲۳ ویژگی برای این کتاب بر شمرده شده که در ذیل به بخشی از آنها اشاره می‌کنیم:

- ۵-۱- در هر باب، آیات الاحکام مربوط به آن باب ذکر شده است.
- ۵-۲- تقطیع نشدن روایات مگر در برخی احادیث طولانی. مانند وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام و حدیث اربعه‌أه. برای نمونه در حدیث شماره ۲۲۵۸ این کتاب آمده است: (بالاسناد المتقدم في باب فضل الصلاة عن علي عليه السلام في حديث الأربعمائة): قال إذا صليت فاسمع نفسك القراءة والتكبير والتسبيح. (طباطبائی بروجردی، ۱۳۹۹، ج ۵، ص ۱۲۶) با مراجعه به سایر کتب حدیثی مانند بحارالانوار (ج ۱۰، ص ۱۰۸) و نیز الخصال شیخ صدوق (ج ۲، ص ۶۳۰) مشاهده می‌شود که این حدیث تقطیع شده است.
- ۵-۳- ضمن دقت در ضبط صحیح واژه‌ها و عبارتهای روایات بر اساس منابع اصلی، به اختلاف نسخه‌ها نیز اشاره شده است. برای نمونه در سند حدیث ذیل، لفظ مسکین تصحیح شده است که در بعضی از منابع و نسخه‌ها از جمله در کتاب وسائل الشیعه با لفظ سکین آمده است:
- ۲۷۰۶- (۵۲) بالاسناد عن الحسن عن محمد بن مسکین (سکین) عن عمرو بن شمر عن جابر عن أبي عبد الله (أبي جعفر) عليه السلام قال أكثر... (طباطبائی بروجردی، ۱۳۹۹، ج ۵، ص ۱۵۷)
- ۵-۴- روایات سنن، آداب، اخلاق، ادعیه و اذکار، از احکام جدا و به صورت مستقل انعکاس یافته است. به عنوان مثال باب رمی جمره به چندین باب تقسیم می‌شود: به ترتیب، باب فضل و برتری و وجوب اجرای آداب و احکام آن، استحباب پاک بودن هنگام پرتاب سنگ، جواز سنگ انداختن و... که دقت و ظرافت مؤلف در این امر را نشان می‌دهد.
- ۵-۵- احادیث هر باب با رعایت نظم مشخصی انعکاس یافته‌اند؛ به این معنا که نخست روایات مطابق با فتوا آمده، سپس به ترتیب روایات متعارض ذکر شده است.

۵-۶- در موارد نیاز، مرجع ضمیر در روایات مشخص شده و معانی واژه‌های دشوار ارائه شده است.

۵-۷- افزون بر احادیث دو کتاب وسائل الشیعة و مستدرک الوسائل، حاوی هشتصد حدیث دیگر نیز می‌باشد.

۵-۸- در هر باب به روایاتی که به ابواب دیگر نیز ارتباط دارد؛ دقیقاً و با نشانی ارجاع داده شده تا محققان به راحتی به روایات مربوط به یک موضوع در ابواب مختلف دست یابند. برای این کار غالباً عبارات «وتقدم فی أحادیث الباب المتقدم» و «یأتی فی أحادیث الباب الثانی ما یمکن ان یستدل به علی حکم الباب» استفاده شده است و مؤلف ارجاع به باب پیشین می‌دهد.

۵-۹- وجوهی که فقهای بزرگ سلف در جمع بین متعارضین بیان کرده‌اند، ذکر شده است.

۵-۱۰- نقل توضیحات مهمی که در کتابهای حدیثی شیعه در ذیل برخی احادیث آمده و به فهم آنها کمک می‌کند. بیشترین نقلها از شیخ طوسی و عمدتاً در باره حل تعارض ظاهری احادیث است. یادآوری نسبت به واژگان غریب و مشکل و توضیحات ضروری برای فهم احادیث، اصلاح اسناد و تذکر موارد مشتبّه در کتاب، امدادگر محققان است.

۵-۱۱- تلفیق اسناد و متون؛ یعنی در صورت اشتراک سند حدیث با حدیث پیشین، بخشهای مشترک سند، تکرار نشده و با عبارت بهذا الاسناد ذکر شده است. به طور مثال در حدیث ۱۰۸۲ سند این گونه ذکر شده است: ... علی بن ابراهیم عن محمد بن عیسی عن یونس بن عبد الرحمن عن عبدالله بن سنان عن ابي عبدالله...

سپس به دلیل تکرار سند، روایت بعد با عبارت بهذا الاسناد بیان شده است:

۱۰۸۳- بهذا الاسناد... (طباطبائی بروجردی، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۵)

۵-۱۲- علاوه بر رعایت نظم و ترتیب مناسب در باب‌بندی کتاب، روایات هر باب نیز با نظم خاصی رتبه‌بندی و نقل شده‌اند. ابتدا احادیثی که برطبق مضمون آنها فتوا داده شده و سپس احادیث متعارض آورده شده و روایات عام پیش از روایات خاص و روایات مطلق پیش از روایات مقید آمده است.

۶- کاستی‌ها و ضعف‌ها

استواری این کتاب، به اندازه‌ای است که در میان دیگر مجامع حدیثی همچون گوهری به چشم می‌آید. با این حال، مانند هر اثر و کتاب، نقاط ضعف و ایرادهایی در آن مشاهده می‌شود.

۶-۱- استقصای ناقص آیات الاحکام

در این اثر، برخلاف عنایت تام و دقیقی که در جستجو، گزینش و جمع‌آوری روایات به کار رفته، این شیوه درباره آیات، با بی‌مهری مواجه شده است. گذشت که یکی از ویژگیهای این اثر، جامعیت آن در مورد روایات فقهی است؛ یعنی هر روایتی ولو با کمترین دلالت با عنوان باب، در آن گنجانیده شده است؛ حتی چنانچه آن روایت، در باب دیگری باشد؛ به آن ارجاع داده شده است؛ در حالی که این رویه در آیات به کار نرفته و تنها بخشی از آیات مرتبط با عنوان باب، در ابتدای آن آورده شده است. این کاستی و غفلت با اهداف نگارش کتاب ناسازگار است؛ زیرا هدف این بود که فقیه با وجود این کتاب، از جستجوی آیات الاحکام در قرآن بی‌نیاز گردد؛ اما برای متتبع روشن است که این خواسته در کتاب جامع احادیث شیعه محقق نشده است.

به عنوان مثال، در جلد ۲۲، ذیل باب تحریم صحبة السلاطین واعانة الظالمین ومدحهم ومحبّة بقائهم طمعاً لما فی ایدیهم تنها به ذکر آیات زیر اکتفا شده است:

- ولا تعاونوا على الإثم والعدوان. (مائده/۲)
- ومن يتولهم منكم فإنه منهم إن الله لا يهدى القوم الظالمين. (مائده/۵۱)
- فلا تقعد بعد الذكرى مع القوم الظالمين. (انعام/۶۸)
- وفيكم سماعون لهم والله عليهم بالظالمين. (توبه/۴۷)
- ولا تركنوا إلى الذين ظلموا فتمسكم النار وما لكم من دون الله من أولياء ثم لا تنصرون. (هود/۱۱۳)
- يا أيها الذين آمنوا لا تتخذوا عدوى وعدوكم أولياء تلقون إليهم بالمودة وقد كفروا بما جاءكم من الحق. (ممتحنه/۱)
- در حالی که علاوه بر برخی از آیات مذکور، در بحارالانوار (ج ۷۲، ص ۳۶۸، باب ۸۲) الركون إلى الظالمين وحبهم وطاعتهم این آیات نیز اضافه شده‌اند:
- واتبعوا أمر جبار عنيد. (هود/۵۹)
- فاتبعوا أمر فرعون وما أمر فرعون برشيد. (هود/۹۷)
- وما كنت متخذ المضلين عضداً. (كهف/۵۱)
- فاتقوا الله واطيعون ولا تطيعوا أمر المسرفين الذين يفسدون في الارض ولا يصلحون. (شعرا/ ۱۵۰-۱۵۲)
- قال رب بما انعمت على فلن اكون ظهيراً للمجرمين. (قصص/۱۷)
- أحشروا الذين ظلموا وازواجهم وما كانوا يعبدون من دون الله فاهدوهم إلى صراط الجحيم. (صافات/۲۲-۲۳)
- والذين اجتنبوا الطاغوت أن يعبدوها وانا بوا إلى الله لهم البشري فبشر عباد. (زمر/۱۷)
- وإن الظالمين بعضهم أولياء بعض. (جاثیه/۱۹)
- قال نوح رب إنهم عصوني واتبعوا من لم يزده ماله وولده إلا خساراً. (نوح/۲۱)
- فاصبر لحكم ربك ولا تطع منهم أثماً أو كفوراً. (انسان/۲۴)

البته علّامه مجلسی نیز برخی از آیات مذکور را نیاورده است. اما آنچه مقصود ماست؛ توجه به آیات متعددی است که دلالت مطابقی و یا التزامی با عنوان باب دارند؛ ولی ذکر نشده‌اند. این آیات به آنچه در بحار ذکر شده است نیز محدود نمی‌شود. برای فهم بهتر مطلب، برخی از آیاتی را که می‌تواند با مسئله مورد بحث مرتبط باشد؛ ذکر می‌شود. در این آیات، واژگانی به کار رفته که از مشتقات طاغوت، کفر، ولایت و اطاعت است.

- لا اكره فی الدین قد تبین الرشد من الغی فمن يكفر بالطاغوت ويومن بالله فقد استمسك بالعروة الوثقى لا انفصام لها والله سميع عليم. (بقره/۲۵۶)

- الذين امنوا يقاتلون فی سبیل الله والذين كفروا يقاتلون فی سبیل الطاغوت فقاتلوا اولیاء الشیطان إن کید الشیطان کان ضعیفاً. (نساء/۷۶)

- ولقد بعثنا فی کل أمة رسولا أن اعبدوا الله واجتنبوا الطاغوت فمنهم من هدی الله ومنهم من حقت علیه الضلالة فسیروا فی الارض فانظروا کیف كان عاقبة المکذبین. (نحل/۳۶)

- والذين اجتنبوا الطاغوت أن یعبدوها وأنابوا إلى الله لهم البشری فبشر عباد. (زمر/۱۷)

- والذين كفروا بعضهم اولیاء بعض إلا تفعلوه تكن فتنة فی الارض وفساد کبیر. (انفال/۷۳)

- یا ایها الذین آمنوا إن تطیعوا الذین كفروا یردوكم علی اعقابکم فتنقلبوا خاسرین. (آل عمران/۴۹)

۶-۲- تقطیع آیات الاحکام

در این مجموعه حدیثی برخلاف روایات که به ندرت از تقطیع استفاده شده است؛ در آیات قرآن تقطیع اعمال شده است. و به همین جهت، مستنبط را از مراجعه به قرآن و مشاهده اصل آیه بی‌نیاز نمی‌کند. با تقطیع آیه، پس و پیش آیه حذف می‌شود و تنها جمله‌ای که ارتباط مستقیمی دارد؛ نقل می‌گردد. و در نتیجه فضای آیه، مبهم باقی می‌ماند. حتی گاه مشخص نمی‌شود که این خطاب متوجه

چه کسانی بوده است؛ مثلاً در آیات ذیل که در جلد ۲۲ این کتاب در باب تحریم صحبة السلاطین و اعانة الظالمین آمده؛ بخش‌هایی از آیات را آورده‌اند و از ذکر بقیه آنها صرف نظر شده است. در آیه اول، افرادی که جلوس با آنان نهی شده‌اند؛ مشخص نیست. و در آیه دوم، کسانی که از محبت آنان نهی شده؛ نامعلوم است:

- وإذا رأيت الذين يخوضون في آياتنا فأعرض عنهم حتى يخوضوا في حديث غيره وإما ينسينك الشيطان فلا تقعد بعد الذكرى مع القوم الظالمين. (انعام/۶۸)
- يا ايها الذين آمنوا لا تتخذوا اليهود والنصارى أولياء بعضهم أولياء بعض ومن يتولهم منكم فانه منهم إن الله لا يهدي القوم الظالمين. (مائده/۵۱)

۶-۳- مشخص نشدن «عدة من اصحابنا» در اسناد کتاب الکافی

طبق ادعای نویسندگان کتاب، یکی از اهداف مهم کتاب جامع احادیث الشیعة، بی‌نیاز کردن فقیه از مراجعه به سایر کتب حدیثی است. نوشته‌اند: مراعیاً لتسهيل طرق الاطلاع والعمور بحيث لا يحتاج معه الفقيه إلى غيره ويستغنى به عما سواه. (طباطبائی بروجردی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۱۸) از همین رو، دقت و کوشش فراوانی صورت گرفته است تا خاطر خواننده را در مطالب منقول آسوده گرداند و نگرانی او را از مراجعه و نیاز به منبع دیگر، برطرف سازد.

مؤلف محترم در توضیح نکته پنجم از روش کتاب می‌گوید که تعلیقات الکافی را در کتاب خود آشکار کرده و توضیح داده که کلینی مقید به ذکر تمام سند خود بوده و فقط در صورتی که سند روایت بعدی در تمام یا بخشی از آغاز سند، با سند روایت قبلی تطابق داشته باشد؛ بخش مشترک را تکرار نمی‌کند، و چون کتاب حاضر روایت قبلی را همراه با روایتی که سندش تعلیق شده است؛ نیآورده است؛ بنابراین لازم است تا آن را آشکار سازد و این کار را نیز انجام داده است.

ایشان در ادامه از کتاب تهذیب و الفقیه نام می‌برد و اینکه مؤلفان این دو کتاب، اغلب احادیث را مرسل آورده و در پایان کتاب، سلسله سند خود را تا راوی، ذکر کرده‌اند.

اما این سؤال مطرح است که محذوفات اسناد الکافی منحصر در تعلیقات نیست؛ بلکه مرحوم کلینی در بسیاری از موارد به جای اینکه بخشی از سند را ذکر کند؛ فقط به ذکر «عدة من اصحابنا» اکتفا کرده و در پایان کتاب، مقصود خود را از آنها، بیان داشته است. کلینی در این باره می‌نویسد: «هرگاه در کتابم از عدة من اصحابنا، از احمد بن محمد بن خالد برقی روایت کردم؛ مراد از اصحابنا علی بن ابراهیم، علی بن محمد بن عبدالله اذینه، احمد بن عبدالله بن امیه علی بن حسن است» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۲۹) و جاهای دیگری منظور از عده را افراد دیگری بیان کرده است. (ر.ک: سبحانی، ۱۳۸۹، ص ۳۸۲) اما در این کتاب فقط لفظ «عدة من اصحابنا» آمده است.

این مسئله زمانی مشکل خواهد بود که بدانیم عدة من اصحابنا به حسب افرادی که به آنها ختم می‌شوند؛ متفاوت هستند. مشکل سازتر اینکه در اثر حاضر، این افراد نه تنها آشکار نشده‌اند؛ بلکه در پایان کتاب هم اسمی از آنها به میان نیامده است. در حالی که طبق هدف کتاب، همانند تعلیقات، باید عدة من اصحابنا نیز آشکار می‌شدند؛ زیرا در غیر این صورت، مستنبط باید به کتاب الکافی رجوع کند. به عنوان مثال در حدیث ذیل که در جلد هفدهم این کتاب آمده است؛ عدة کتاب الکافی مشخص نشده است:

کا (کافی) ۷۸ / ۵ - عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد عن أبيه أحمد بن أبي عبد الله عن أبي طالب الشعراني عن سليمان بن معلى بن خنيس عن أبيه قال سئل أبو عبد الله عليه السلام ... (طباطبائی بروجردی، ۱۳۹۹، ج ۱۷، ص ۳)

۴-۶- مشخص نشدن اسناد تهذیب و من لا یحضره الفقیه

اشکال یاد شده، در روایات مرسل تهذیب و فقیه نیز مطرح می‌شود؛ زیرا شیخ طوسی در تهذیب، تنها نام صاحب کتابی را که حدیث از آن نقل شده، آورده است. و طرق خود را به صاحب اصل یا کتاب در پایان تهذیب یا فهرستش بیان داشته است.

شیخ صدوق نیز در کتاب الفقیه، اغلب به ذکر نام آخرین راوی که حدیث را از امام شنیده، اکتفا کرده و در پایان کتاب خود، سلسله اسناد را به طور کامل آورده است. اما در جامع احادیث الشیعة این روایات با سند ناقص ذکر می‌شوند؛ در نتیجه اغلب روایات تهذیب و الفقیه در این اثر، مرسل هستند و این اسناد حتی در پایان کتاب نیز نیامده‌اند. انتظار می‌رفت که در این موارد، افتادگی سند را اضافه کنند و برای امانت داری، آن را داخل دو هلال قرار دهند و حتی به آخر کتاب نیز حواله ندهند تا بدین وسیله خواننده از مراجعه به کتب تهذیب و الفقیه بی‌نیاز گردد. برای نمونه در این کتاب، حدیث اینگونه بیان شده است:

۲۲۵۰ (۱۵) فقیه ۵۴/۱ قال الباقر و الصادق علیهما السلام: صلاة رکعتین بسواک افضل من سبعین رکعة بغیر سواک. (طباطبائی بروجردی، ۱۳۹۹، ج ۵، ص ۶)
ملاحظه می‌شود که در حدیث مذکور، سلسله سند مرسل می‌باشد.

۴-۵- نامفهوم بودن برخی از علائم

استفاده از علائم برای کتب حجیم و دقیقی مانند جامع احادیث، امری کاملاً طبیعی و لازم است؛ به شرط اینکه این علائم در مقدمه یا بخشی از کتاب به خوبی توضیح داده شوند. به عنوان مثال، در این کتاب به جای «نسخه بدل» علامت رمزی «خ» به کار رفته است، در حالی که در هیچ بخشی از این کتاب به معرفی و توضیح این علامت پرداخته نشده است. برای نمونه این نقص در

حدیث ذیل مشاهده می‌شود:

قال من رضى بدون الشرف (الشرف - خ) من المجلس لم يزل الله عز وجل وملائكته يصلون عليه حتى يقوم (طباطبائی بروجردی، ۱۳۹۹، ج ۱۶، ص ۵-۶) منظور از «خ» این است که در نسخه بدل، واژه الشرف به صورت الشرف آمده است.

نیز به جای عبارت نسخه اصلاحی، در مواردی که مؤلف نظر اصلاحی خود را درباره سند یا متن می‌دهد؛ از علامت «خ ل» استفاده شده است. مثال:

۴۶۷۲- (۱۰) قرب الإسناد ۹۸- یاسناده عن علی بن جعفر عن أخیه موسی ابن جعفر علیه السلام قال: سئلته عن رجل صلی العیدین وحده أو صلی الجمعة هل یجهر فیهما (فیها - خ ل) بالقراءة قال لا یجهر الا الامام. (طباطبائی بروجردی، ۱۳۹۹، ج ۶، ص ۱۲۶-۱۲۷)

۶-۶- غفلت در مراجعه به کتب اصلی

در مقدمه جامع الاحادیث آمده است که اگر حدیثی در وسائل یا مستدرک از کتابی دیگر ذکر شود که در نسخه‌های موجود از مصادر اصلی، یافت نشود، حدیث به خود آن دو کتاب استناد داده می‌شود. اما در مواردی این روش با غفلت همراه شده است. به طور مثال:

مستدرک ۲۴۸/۱۷- عوالی اللثالی عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم قال: العلم مخزون عند أهله وقد امرتم بطلبه منهم. (طباطبائی بروجردی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۲۷۸)

این نوع اسناد بدان معناست که این حدیث در نسخه‌ای از عوالی اللثالی که امروزه در دسترس ماست، وجود ندارد ولی در نسخه‌ای که در اختیار حاجی نوری بوده، وجود داشته است. در حالی که اگر به نسخه موجود از عوالی مراجعه شود، این حدیث بدون کوچکترین تفاوتی موجود است، (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۶۱) ولی در مراجعه به مصدر اصلی حدیث (عوالی اللثالی) غفلت واقع شده است.

۷- مبانی فقه الحدیثی جامع الاحادیث

آیت الله سید حسین طباطبایی بروجردی، یکی از معدود فقیهان سده اخیر است که در حوزه درایه و رجال، صاحب اندیشه و سبک ویژه‌ای بود. نقشی که آگاهی‌های رجالی در برداشتهای فقهی ایشان داشت، موجب تحوّل قابل توجهی در روند تاریخ فقه و حدیث شیعه شد و مکتب فقهی جدیدی بنیان نهادند که زیر بنای آن، شناسایی تفسیر و نقد حدیث بود. (سلطانی، ش ۷، ص ۲۳) این مبانی و روش فقه الحدیثی ایشان در مجموعه جامع احادیث الشیعه نیز اعمال شده است و از نمود خاصی برخوردار است که در ادامه نمونه‌هایی از آن ذکر می‌شود:

۷-۱- توجه به نقص سندی احادیث

وجود سند در کنار روایات، افزون بر این که به متن روایات اعتبار ویژه‌ای می‌بخشد، راه ورود روایات ساختگی را به متون روایی می‌بندد. دقت در ذکر اسامی به طور کامل و متمایز ساختن راویان مشترک، مشخص ساختن هویت راویان، مشخص ساختن نوع تحمل حدیث و ... از دقت‌هایی است که مطلوب بوده و باعث امتیاز برای یک کتاب روایی است. (نصیری، ۱۳۸۵ ه.ق، ص ۸۷) مرحوم بروجردی ابتدا سند احادیث را از لحاظ اتصال و انقطاع بررسی کرده، سپس با تخصص و تسلط خود بر منابع مختلف روایی، نقصهای این کتابها را در حدّ توان و به صورت شایسته‌ای برطرف کرده است. این روش ایشان در نقل حدیث از کتب اربعه، بخصوص در نقل از کتاب الفقیه شیخ صدوق نمود پیدا می‌کند. در این روش ایشان ابتدا سند حدیث را از کتب دیگر (غالباً از الکافی و تهذیب) ذکر کرده و سپس متن حدیث مذکور را نقل می‌کند. مثال:

... کا ۹۹/۲ محمد عن أحمد عن السرداد یب ۳۰/۱ أحمد بن عبدون عن ابن الزبیر عن الحسين بن عبد الملك الأودی عن السرداد عن الکرخی عن أبي عبد الله عليه السلام قال: الفقیه

۲۵/۱ قال رسول الله ﷺ: ثلاث ملعون من فعلهن المنعوط في ظل النزال و المانع الماء المنتاب و ساد الطريق المسلوك. (طباطبائی بروجردی، ۱۳۹۹، ج ۳، ص ۱۶)

ملاحظه می‌شود که به سبب مرسل بودن حدیث در کتاب من لایحضره الفقیه، برای رفع این نقص، ابتدا سند حدیث از دو منبع کافی و التهذیب با سند کامل نقل می‌شود، سپس متن آن از کتاب الفقیه ذکر گردیده است.

۷-۲- مرجعیت قرآن و سنت معصومین در سنجش اعتبار روایات

یکی از مراحل بررسی صحت و سقم و نقد محتوایی احادیث، عرضه روایات بر قرآن کریم و روایات صادره از معصومین است. مرحوم بروجردی در بررسی روایات به این مهم توجه داشتند؛ لذا اگر مضمون حدیثی با ظاهر قرآن و اخباری که در باب آمده؛ مخالفت می‌نمود، اعتبار و اصالت آن را مورد تردید قرار داده و به رد آن می‌پرداختند. به طور مثال حدیث ذیل، را با تعلیقه‌ای آورده‌اند:

۱۲۹۹- ۴۶۵۴۷- (۳۶) تهذیب ۷۳/۱۰: استبصار ۲۲۹/۴: ... القاسم بن سلیمان قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن العبد إذا افتري على الحرّ كم يجلد، قال أربعين، و قال: إذا أتى بفاحشة فعليه نصف العذاب.

در باره بنده‌ای که تهمت زنا یا لواط بر انسان آزادی زند؛ چند ضربه شلاق زده می‌شود؟

فرمود: چهل عدد. و فرمود: هر گاه کار ناپسندی انجام دهد، نصف آن مجازات بر او مترتب است.

آنگاه ذیل حدیث مذکور می‌نویسد:

هذا الخبر شاذّ مخالف لظاهر القرآن و للأخبار الكثيرة التي قدّمناها و ما هذا حكمه لا يعمل به و لا يعترض بمثله. فأمّا مخالفته لظاهر القرآن فلانّ الله تعالى قال: و الذين يرمون المحصنات الى قوله فاجلدوهم ثمانين جلدة و لا تقبلوا لهم شهادة أبداً، و ذلك عامّ في كلّ قاذف حراً كان أو عبداً. فأمّا قوله تعالى فَإِنْ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى

الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ فَذَلِكَ مَخْصُوصٌ مَقْصُورٌ عَلَى الزَّانَا لَمَّا بَيَّنَّاهُ مِنَ الْأَخْبَارِ وَ أَنَّهُ لَا يَجُوزُ تَنَاقُضُهَا.

آیت الله بروجردی حدیث مذکور را شاذ می‌داند، چرا که مخالف ظاهر قرآن (آیه ۴ سوره نور و آیه ۲۵ سوره نساء) و دیگر احادیثی است که صادر شده است. و مؤلف گرامی با استناد به آنها، حدیث مذکور را مخالف سنت معصومین و روایات صادره از ایشان می‌دانند و آن را فاقد اعتبار می‌شناساند.

احادیث مورد استناد ایشان که دلالت بر این دارند که حدّ حرّ و عبد در ارتکاب زنا به یک اندازه است و در نتیجه باعث ردّ حدیث ذکر شده در اول بحث می‌شود؛ چنین است:

۴۶۵۴۸- (۳۷) کافی ۷/ ۲۰۸: ... عن عبيد بن زرارة قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: لو أتيت برجل قد قذف عبداً مسلماً بالزنا لا نعلم منه إلا خيراً لضربته الحدّ حدّ الحرّ إلا سوطاً.

۴۶۵۴۹- (۳۸) تهذيب ۱۰/ ۷۱: ... منصور بن حازم عن أبي عبد الله عليه السلام في الحرّ يفترى على المملوك قال: يسأل فان كانت أمّه حرّة جلد الحدّ.

۴۶۵۴۹- (۳۸) تهذيب ۱۰/ ۷۱: ... منصور بن حازم عن أبي عبد الله عليه السلام في الحرّ يفترى على المملوك قال: يسأل فان كانت أمّه حرّة جلد الحدّ. (طباطبایی بروجردی، ۱۳۹۹، ج ۳، ص ۷۹۶)

۷-۳- نقد حدیث بر اساس اجماع

یکی دیگر از معیارهای نقد حدیث، سنجش آن با اجماع امامیه است. در این روش، حدیث مخالف اجماع از نظر ایشان فاقد اعتبار خواهد بود. بر این اساس، وی در موردی حدیثی با مضمون خواب ماندن حضرت رسول ﷺ تا طلوع خورشید و ادای نماز نافله قبل از نماز صبح می‌فرماید:

فقيه ۳۵۸۰/۱... سَعِيدُ الْأَعْرَجِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَنَامَ رَسُولُهُ عَنْ صَلَاةِ الْفَجْرِ حَتَّى طَلَعَتِ الشَّمْسُ ثُمَّ قَامَ فَبَدَأَ فَصَلَّى الرَّكَعَتَيْنِ اللَّتَيْنِ قَبْلَ

الْفَجْرِ ثُمَّ صَلَّى الْفَجْرَ. (طباطبایی بروجردی، ۱۳۹۹، ج ۶، ص ۳۳۶)

از سعید اعرج نقل شده که گفت: شنیدم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که فرمودند که خداوند تبارک و تعالی رسولش صلی الله علیه و آله را به خواب برد تا آن که آفتاب طلوع نمود. سپس آن حضرت برخاستند. و ابتدا نافله صبح را به جا آوردند و بعد از آن نماز صبح را اقامه نمودند.

ذیل این حدیث بر اساس معیار اجماع می‌گوید: این حدیث مخالف فتوای امامیه است که اختلافی نیست در این که نماز واجب هر کس فوت شود، باید در هر فرصتی از شبانه روز که متوجه شد، قضا کند، مادام که وقت فریضه حاضر مضیق نباشد. بنا براین، هر گاه برای انسان حرام باشد که نماز فریضه‌ای را که وقت آن نرسیده ادا کند، به طریق اولی خواندن نوافل پیش از قضای واجب فوت شده، ممنوع خواهد بود. (طباطبایی بروجردی، ۱۳۹۹، ج ۶، ص ۳۳۶)

افزون بر آن حضرت رسول فرمود:

لا صلاة لمن عليه صلاة (همان، ج ۶، ص ۳۳۷) کسی که فریضه بر گردن دارد؛ نافله ندارد.

۷-۴- توجه به اسباب صدور روایات

یکی از عوامل مؤثر در فهم حدیث، شناخت اسباب صدور حدیث است. احادیث معصومان در شرایط زمانی و مکانی متفاوت و با انگیزه‌ها و هدف‌های خاصی صادر شده‌اند که صدور آن‌ها ناشی از اسباب و علل گوناگونی بوده‌اند، اما وجود پدیده‌هایی در طول تاریخ حدیث از جمله ممنوعیت نگارش حدیث و نقل سینه به سینه آن، نقل به معنا، و ... نه تنها باعث شده است که اختلافاتی در فهم احادیث به وجود آید، بلکه بسیاری از اسباب صدور احادیث را، حذف کرده و یا به فراموشی سپرده است. از این رو: «آیت الله بروجردی شیوه فقه الحدیثی

خود را بر مطالعه و بررسی شرایط صدور روایت نهاده و از این رهگذر، به نکات و برداشت‌های بدیع و کم نظیری دست یافته است که از این جهت باید روش ایشان را واقع‌گرایانه و مبتنی بر قرآن و حدیث نام نهاد.» (سلطانی، ششم، ص ۲۸) مرحوم بروجردی با توجه به همین واقعیت‌گرایی، به بررسی و فهم احادیث پرداخته‌اند. به طور مثال ایشان روایتی آورده که می‌فرماید: زنازاده شروترین سه نفر است:

۴۵۷۹۷- (۱۱) عوالی اللالی ۵۳۳/۳: قال النبی ﷺ ولد الزنا شرّ الثلاثة. (طباطبایی بروجردی، ۱۳۹۹، ج ۳۰، ص ۴۳۲)

آنگاه در مورد سبب صدور این حدیث می‌نویسد که: این روایت در مورد مردی از منافقان به نام ابوغره جَحْمِیاست که پیامبر خدا را آزار می‌داد. پیامبر فرمود: «چه کسی مرا از دست فلانی آسوده می‌کند؟» گفته شد: ای پیامبر خدا، افزون بر این آزاررسانی، او زنازاده هم هست. ایشان فرمودند: او [ابوغره جحمی] بدترین سه نفر [پدر و مادرش و فرد زناکار] است؛ (أبا غرة الجحمی کان یهجو النبی ﷺ فذكر عند النبی ﷺ و قيل فيه إنه ولد زنية فقال ﷺ ولد الزنا شرّ الثلاثة یعنی أبا غرة ...) (طباطبایی بروجردی، ۱۳۹۹، ج ۳۰، ص ۴۳۴)

۷-۵- نقش علم کلام در پذیرش یا ردّ احادیث

برخی مشکلات در حوزه حدیث وجود دارد که در آنها، انگیزه‌های کلامی، نقشی برجسته داشته است. مرحوم سید مرتضی در این باره می‌گوید:

«در بین احادیث منقول در کتب شیعه و کتب همه مخالفان ما، انواع اشتباهات و باطل‌های محال و غیر قابل تصوّر و ناروا وجود دارد؛ باطل‌هایی که دلیل بر بطلان و فساد آنها در دست است. از قبیل: تشبیه، جبر، رؤیت و ... و از این دست باطل‌ها که غیر قابل شمارش‌اند. از این روی، نقد حدیث از راه عرضه آن

بر عقل، لازم است.» (شریف مرتضی، بی تا، ج ۱، ص ۴۰۹)

لذا در شناخت احادیث، آگاهی از باورهای ثابت کلامی، تأثیر جدی دارد. محدثان و فقیهان چیره دست، در بررسی و تحلیل مفاد روایات‌ها همواره به باورهای کلامی توجه داشتند و احادیث را در سایه این باورها مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند. مرحوم بروجردی نیز در سبک خویش به این امر توجه داشته است. ایشان در این اثر، روایاتی را با تکیه بر باورهای کلامی، غیر قابل پذیرش اعلام می‌کنند، صدور آنها را به دلیل تقیه می‌دانند. به طور نمونه ایشان در ذیل مبحث سجده سهو، درباره احادیثی که گویای وقوع سهو از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در نماز است، می‌گوید: «اخبار فریقین، دلالت بر این می‌کند که از آن حضرت، سهو در نماز صادر شده است و بعد از آن، دو سجده سهو انجام داده است؛ اما مقتضای مذهب شیعه، خلاف آن است... گمان می‌رود که این قبیل روایات که اثبات کننده سهو برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است، بر مبنای تقیه صادر شده باشد.» (طباطبایی بروجردی، ۱۳۹۹، ج ۶، ص ۱۳)

۷-۶- تفکیک کلام راوی از متن روایت

در منابع حدیثی، گاه کلام راوی که در ادامه حدیث بیان شده است، داخل در متن حدیث شده است؛ به طوری که خواننده در نگاه اول آن را کلام معصوم می‌داند، نه کلام راوی. مرحوم آیت الله بروجردی، با توجه به تخصص و تسلط خود در مورد روایات، در چنین مواردی، کلام راوی و اصل متن حدیث را از هم جدا می‌سازند. مثلاً در مجلد ۱۱ کتاب، حدیث ذیل را از کتاب تهذیب شیخ طوسی نقل می‌کند:

الحسین عن یحیی بن عیسی عن سعید بن یسار قال سمعت أبا عبد الله علیه السلام يقول: تحل الزکاة لصاحب الدار و الخادم لأن أبا عبد الله علیه السلام لم یکن یری الدار و الخادم شیئاً.

سپس می‌نویسد: قوله لأن إلى آخره من كلام الراوى (طباطبایی بروجردی، ۱۳۹۹، ج ۱۱، ص ۶۷)
همانطور که ملاحظه می‌شود مرحوم بروجردی در بیان روایت فرمودند: این
قسمت روایت «لأن أبا عبد الله عليه السلام لم يكن يرى الدار و الخادم شيئاً» جزء متن
حدیث نیست، بلکه کلام راوی حدیث است که داخل در متن روایت شده است.

۷-۷- تبعیت از دلیل در فتاوی

یکی از مبانی فقه الحدیثی آیت‌الله بروجردی تکیه بر ادله فقهی در فهم حدیث
می‌باشد؛ لذا در مواردی به جهت فقدان ادله فقهی، به رد آن می‌پردازند؛ با وجود
آن که برخی از این احادیث، از کتب معتبر و از روایات مشهور می‌باشد. از
جمله:

... المشايخ عن محمد و القمي عن محمد بن أحمد عن علي الميثمي عن حماد عن
حريز عن زرارة عن أبي عبد الله عليه السلام قال: من اغتسل من جنابة فلم يغسل رأسه ثم بدا له
أن يغسل رأسه، لم يجد بدا من إعادة الغسل.
و در ادامه حدیث می‌نویسند:

هذا الخبر إنما يدل على وجوب تقديم الرأس على سائر الجسد، و أما تقديم اليمين على
الشمال فلا. و هو مما لا دليل عليه و إنما القول به مجرد شهرة بلا مستند. و أما استحباب
التيامن في كل شيء فإنما يقتضى استحبابه في كل عضو عضو لا تمام الأعضاء. و الذوق
السليم يحكم بأولوية تقديم الأعلى فالأعلى، مع رعاية التيامن في كل عضو عضو، إلا أن
يوجد نصّ على خلافه فهو المتبع. و أما قوله عليه السلام في حديث زرارة الأول: «ثم صب على
منكبه الأيمن مرتين و على منكبه الأيسر مرتين» فعلى تقدير إفادة الواو الترتيب، لا يدلّ
على أكثر من الابتداء في صبّ الماء بالمنكب الأيمن، و ليس ذلك إلا التيامن المستحبّ
فى كل شيء. (طباطبایی بروجردی، ۱۳۹۹، ج ۵، ص ۵۷)

در غسل ترتیبی، مشهور فقها قائل به شستن سه بخش از بدن به صورت مرتب
و به دنبال یکدیگر هستند: اول: سر و گردن، دوم: نیمه راست بدن، سوم: نیمه

چپ بدن. (موسوی خمینی، ۱۴۲۵، ج ۴، ص ۶۶) ولی آیت الله بروجردی معتقدند که تنها تقدیم سر و گردن بر بدن لازم است؛ لکن بین نیمه راست و چپ ترتیبی نیست؛ بلکه کل بدن شسته می‌شود؛ گر چه مستحب است در هر بخش، اول سمت راست شسته شود. مثلاً اول کتف راست و بعد کتف چپ، سپس دست راست و بعد دست چپ، بعد پهلوی راست و سپس پهلوی چپ و ... ایشان در این زمینه گفته‌اند: تقدیم نیمه راست بدن بر نیمه چپ واجب نیست و دلیلی بر آن وجود ندارد و این نظریه، صرفاً فتوای مشهوری است که مدرک ندارد. نیز به این حدیث استناد می‌کنند:

۴۸۳۲-۲ الکافی ... عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن علياً عليه السلام لم ير بأساً أن يغسل الجنب رأسه غدوةً و يغسل سائر جسده عند الصلاة؛ امام علی عليه السلام اشکالی نمی‌دید که شخص جنب سرش را صبح بشوید و سایر اعضای بدنش را هنگام نماز. (طباطبایی بروجردی، ۱۳۹۹، ج ۵، ص ۵۹) و همچنین به نظر فیض که در وافی وجود دارد (همان، ص ۶۰)، استناد می‌کنند.

۷-۸- شرح روایات با استفاده از دیدگاه‌های شارحان

گاهی مرحوم بروجردی در شرح احادیث، از نظر دانشمندان و عالمان دیگر بهره جسته و آن را پس از حدیث آورده است. ایشان هرگاه سخنی را از یکی از علماء در شرح احادیث بیابد، آن را با رعایت امانت‌داری و ذکر منبع بیان می‌کند. به طور نمونه پس از ذکر حدیث ذیل به بیان نظر فیض کاشانی در مورد این حدیث می‌کنند:

کا ۸۸/۵- عمرو بن خالد عن أبي جعفر عليه السلام قال: كان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يصوم شعبان و شهر رمضان و يصلهما و ينهي الناس أن يصلوهما و كان يقول: هما شهر الله و هما كفارة لما قبلهما و لما بعدهما من الذنوب.

آنگاه ذیل حدیث به نقل از کتاب الوافی فیض کاشانی کلامی آورده است. (ر.ک):
فیض کاشانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ص ۶۵؛ طباطبایی بروجردی، ۱۳۹۹، ج ۱۱، ص ۲۸)

۷-۹- توجّه به اختلاف متن روایات

هنگامی که متن حدیث در نسخه‌های مختلف، با هم اختلاف دارد، اگر تفاوت متن‌ها به سبب تبدیل و تغییر الفاظ بوده است نه زیاده یا نقصان، در صورتی که تفاوت اندک و معنا تغییر نکرده است، به آوردن لفظ واضح‌تر یا لفظی که مؤلف آن مقدم باشد، اکتفا می‌شود. اما اگر تفاوت متون زیاد و معنا تغییر کرده است، مجدداً روایت متفاوت را با سندش ذکر می‌کند. مثال:

کا ۷۸/۶- علی عن العبدی عن یونس عن هارون بن خارجه عن الشحام عن أبی عبد الله علیه السلام قال سمعته یقول: أحب الأعمال إلى الله عز و جل الصلاة و هی آخر وصایا الأنبیاء، فما أحسن من الرجل أن یغتسل أو یتوضأ فیسبغ الوضوء، ثم یتنحی حیث لا یراه أنیس، فیشرف علیه و هو راکع أو ساجد. إن العبد إذا سجد فأطال السجود، نادى إبلیس: یا ویله أطاع و عصیت و سجد و أبیت.

در ذیل این حدیث مرحوم بروجردی می‌نویسد:

فی بعض نسخ الکافی إبلیس مکان أنیس و هو تصحیف، و فی بعض نسخ الفقیه إنسی، و فی بعض نسخه فیشرف الله علیه بإثبات لفظة الجلالة. و لكل وجه و إن کان إثبات الجلالة و الإنسی أوجه، و المستتر فی یشرف بدون الجلالة یعود إلى الإنسی أو الأنیس. و الغرض على التقادیر البعد عن شائبة الریاء. (طباطبایی بروجردی، ۱۳۹۹، ج ۱۱، ص ۷۸)

مؤلف به موارد اختلاف متن این روایت در نسخه‌های مختلف اشاره کرده است و می‌فرماید: در برخی نسخه‌های الکافی به جای کلمه «انیس» کلمه «ابلیس» آمده است و در برخی نسخه‌های کتاب فقیه «إنسی» و در برخی نسخه‌ها بعد از کلمه فیشرف، لفظ جلالة الله ذکر شده است که ذکر لفظ جلالة و ذکر کلمه إنسی صحیح‌تر می‌باشد. اما ضمیر مستتر در یشرف بدون ذکر لفظ جلالة به کلمات

انسی یا انیس بر می‌گردد که این ضمیر بخاطر دوری از ریا به صورت مستتر آمده است.

۷-۱۰- شناخت معنای مفردات

تبیین معنای مفردات، از دیگر روشهای فقه الحدیثی آیت الله بروجردی است. ایشان در معناشناسی روایات، همواره سعی دارد واژگان کلیدی و بنیادی روایات را تبیین و تحلیل نماید. هر چند ایشان منبع لغوی خود را ذکر نکرده؛ ولی ظاهراً مبنای ایشان مستند به مجمع البحرین است. مثال:

۴۵۴۶۳- (۲۶) معانی الأخبار ۲۷۷: ... فَأَمَّا أَقْطَعْ لَهُ قِطْعَةً مِنَ النَّارِ فَقَالَ لَهُ كُلِّ وَاحِدٍ مِنَ الرَّجُلَيْنِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ حَقِّي هَذَا لِصَاحِبِي. فَقَالَ وَ لَكِنْ أَذْهَبَا فَتَوْخَّيَا. (طباطبایی بروجردی، ۱۳۹۹، ج ۳۰، ص ۲۱۶) کلمه توخی از ماده «وخا» به معنی قصد و نیت است. (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۳۲)

همچنین در حدیث:

۴۵۳۸۱- (۴) فقه الرضا علیه السلام ۲۶۰: و اعلم انّ الحكم في الدّعاوى كلّها أنّ البينة على المدّعى و اليمين على المدّعى عليه، فان نكل عن اليمين لزمه الحقّ ... (طباطبایی بروجردی، ۱۳۹۹، ج ۳۰، ص ۱۶۰) واژه «نكل» معادل «امتنع» است. (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۴۸۶)

۸- جامع احادیث الشیعه از نگاه فرهیختگان و اندیشمندان

۸-۱- آیت الله خویی

بعد از وفات آیت الله بروجردی و با تلاش پی گیر حضرت آیت الله ملایری، جلد های بعدی این اثر به تدریج آماده چاپ شد. حضرت آیت الله خویی با روی گشاده از این حرکت مبارک استقبال کرد و هزینه چاپ آن را بر عهده گرفت. ایشان در این خصوص تعلیقه ای دارد که زینت بخش مجلدات این اثر ماندگار است.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على خيرته من خلقه محمد وآله الطيبين الطاهرين واللعنه الدائمه على اعدائهم اجمعين. اما بعد از آنجا که کتاب جامع احادیث شیعه که به امر حضرت آیت الله العظمی، بزرگ طائفه شیعه حاج سید حسین طباطبایی بروجردی تألیف شد؛ یگانه در نوع خود و زیبای در روش تدوین است. او مشقت این کار ماندگار دینی را با سعه صدر و همّت بلند، به جان خرید. خداوند او را غریق رحمت خویش گرداند و بر درجاتش بیفزاید و بهترین جزای نیکوکاران را به او عنایت کند. همان طور که از خداوند طلب توفیق، اجر فراوان و ستایش ستوده برای علمای عاملی می‌کنم که در تألیف این کتاب دینی ارزشمند، تحت اشراف او، سهیم شدند و تلاش خود را در آن بذل کردند تا اینکه آن را به وجود آورند. از جمله کسانی که تمام تلاش خود را به ثمر رساندن این کتاب به کار بست؛ علامه محقق حجت الاسلام حاج شیخ اسماعیل معزّی ملایری است. بدون تردید او در تدوین این کتاب و ترتیب آن رنجی برد تا توانست آن را با بهترین و کامل‌ترین سبک و نظام آماده کند. پس باید از او به خاطر تلاش پی‌گیرش در این خدمت دینی بزرگ تشکر کرد و از خدای متعال می‌خواهم تا بهترین پاداش را عنایت کند و او را در آماده کردن بقیه مجلات آن توفیق دهد. کتاب طهارت و بخشی از کتاب صلات آن چاپ شده است و از آنجا که این کتاب مورد تقدیر و اهتمام من بود؛ مخارج چاپ و نشر بقیه اجزای آن را پذیرفتم تا خدمتی برای دین و برپایی مذهب باشد الحمدالله به خاطر تحقق بخشیدن به آرزوها در چاپ برخی از اجزای باقی مانده خداوند را حمد می‌کنم و از خدا توفیق چاپ بقیه جلد‌ها و اتمام و تحقق این کار دینی را می‌خواهم که او صاحب توفیق و رستگاری است. (بروجردی طباطبایی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۸۷)

۸-۲- آیت الله جعفر سبحانی

ایشان می‌نویسد: جامع احادیث الشيعة تألیف گروهی متشکل از فضلاى حوزه علمیه، تحت نظارت مرجع بزرگ دینی و محقق آگاه سید حسین طباطبایی بروجردی (۱۲۹۲-۱۳۸۰ ه.ق) است. این جامع از کارهای خوب روزگار شمرده می‌شود. و ضخیم‌ترین جامع فقهی شیعه در دوره اخیر است که به خاطر تبویب، ترتیب، تنظیم و هماهنگی نیکو بر سایر جوامع برتری یافته و تمام احادیث موجود در کتب اربعه و وسائل الشيعة و مستدرک الوسائل و دیگر کتب حدیثی را در بر گرفته است؛ به گونه‌ای که فقیه را از مراجعه به سایر جوامع فقهی بی‌نیاز می‌گرداند. خداوند از کوشش استاد بزرگمان سید حسین بروجردی و سایر شاگردانش، به خاطر این کار پسندیده ارزشمند قدردانی کند و همین طور از عالم محقق پی‌گیر حاج شیخ اسماعیل ملایری، به خاطر تلاش‌های فراوان در چاپ این جامع روایی. (سبحانی، ۱۴۱۷، ص ۳۶۷)

۸-۳- آیت الله مکارم شیرازی

ایشان در کتاب «بحوث فقهیه هامة» در بحث از اینکه ائمه عليهم السلام تمام علوم خود را از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گرفته‌اند؛ به روایات جامع احادیث الشيعة استناد می‌کند و آن را کتاب ارزشمند می‌داند. «رویت فی الکتاب القيم جامع أحادیث الشيعة باسنادها». (مکارم شیرازی، ۱۴۱۲، ص ۵۱۹)

نتیجه‌گیری

سید مرحوم آیت الله العظمی حسین طباطبایی بروجردی (ره) و گروه علمی زیر نظر ایشان، با هدف تألیف یک مجموعه حدیثی جامع و کامل که فقیه را از دیگر منابع بی‌نیاز سازد؛ با تلاش فروانی کتاب جامع احادیث الشيعة را نوشتند. این اثر نسبت به سایر منابع حدیث فقهی شیعه از ویژگی‌های بارزی برخوردار است که

مهم‌ترین آن، جامعیت روایی این کتاب نسبت به سایر مجموعه‌های فقهی، جامعیت و شمول بیشتر روایات، دقت فراوان در نقل حدیث، تلفیق روایات مشابه از حیث سند و متن، ابتکار در افزودن ابوابی تحت عنوان مسائل اصولی و جمع‌آوری تمام روایات مربوط به آنها، جدا کردن روایات آداب و اخلاق در ابواب مجزا و بر طرف کردن آشفتگی و در آمیختن روایات فقهی با روایات مربوط به آداب، ممانعت از تقطیع افراطی احادیث در ابواب متشتت، تبویب بر اساس ترتیب عقلایی و شرعی موضوعات، چینش احادیث در داخل ابواب بر اساس اصول عقلایی، ارجاع به احادیث ابواب دیگر که به نحوی با موضوع مرتبط می‌باشد؛ از دیگر ویژگی‌های بارز و شاخص‌های این مجموعه حدیثی می‌باشد.

البته کتاب حاضر با وجود این ویژگی‌های ممتاز، خالی از ضعفها و انحراف از هدف اصلی نگارش نیست؛ از جمله ضعف‌های موجود در این کتاب می‌توان به استقصای ناقص آیات الاحکام، مشخص نشدن «عدة من اصحابنا» در اسناد الکافی، مشخص نکردن افتادگی‌های احادیث من لا یحضره الفقیه و تهذیب الاحکام و غفلت در اسناد برخی از احادیث به مصادر اولیه حدیثی اشاره کرد. با در نظر داشتن ویژگی‌های شگرف و امتیازات فراوان این اثر که بهره‌گیری مناسب از آن را فراهم آورده است و نیز مدّ نظر قرار دادن روشهای کارآمد آیت الله بروجردی در شرح، بررسی و نقد روایات، می‌توان این اثر را در شمار بهترین آثار در این زمینه؛ بلکه بهترین منبع احادیث فقهی شیعه معرفی کرد.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
۱. اباذری، عبدالرحیم. ۱۳۸۰ش، *خاطرات آیت الله میانجی*، تهران، مرکز اسناد.
 ۲. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین. ۱۴۰۵ق، *عوالی اللالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*، قم، دار سید الشهداء للنشر.
 ۳. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، ۱۳۶۲ش، *الخصال*، قم، جامعه مدرسین.
 ۴. تبریزی، محمد. *جامع احادیث الشیعة، امتیازها وضعفها*، نشریه کاوشی نو در فقه اسلامی، سال پانزدهم، شماره پنجاه و ششم.
 ۵. تمزی، محمد رضا. ۱۳۸۷ش، *شکوه شیعه*، تهران، مرکز اسناد.
 ۶. دفتر تبلیغات اسلامی. ۱۳۷۹ش، *شکوه فقاهت*، تهران.
 ۷. دوانی، علی. ۱۳۷۹ش، *مفاخر اسلام*، تهران، مرکز اسناد.
 ۸. سبحانی، جعفر. ۱۴۱۹ق، *مصادر الفقه الإسلامی و منابعه*، بیروت، دارالأضواء.
 ۹. همو. ۱۳۸۹ش، *کلیات علم الرجال*، مترجمان: علی کبر روحی و مسلم قلی پورگیلانی، قم، انتشارات قدس.
 ۱۰. سلطانی، محمد علی، *فقه الحدیث در نگاه آیه الله بروجردی (ره)*، مجله علوم حدیث، شماره ششم.
 ۱۱. شریف مرتضی، علی بن حسین. بی تا، *رسائل الشریف المرتضی*، قم، دارالقرآن الکریم.
 ۱۲. طباطبایی علوی بروجردی، سید محمد حسین. ۱۳۴۱ش، *خاطرات زندگی آیت الله بروجردی*، تهران، اطلاعات.
 ۱۳. طباطبائی بروجردی، سید حسین. ۱۳۹۹ق، *جامع احادیث الشیعة*، قم، المطبعة العلمية.
 ۱۴. همو. ۱۳۸۶ش، *منابع فقه شیعه (ترجمه جامع احادیث الشیعه)*، تهران، انتشارات فرهنگ سبز.
 ۱۵. طریحی، فخر الدین بن محمد. ۱۳۷۵ش. *مجمع البحرين*، تهران، مرتضوی.
 ۱۶. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی. ۱۴۰۶ق، *الوائفی*، اصفهان، کتابخانه امیر المؤمنین علیه السلام.
 ۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۴۲۹ق، *الکافی*، قم، دارالحدیث.
 ۱۸. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
 ۱۹. محلث نوری، حسین بن محمد تقی. ۱۴۰۸ق، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسه آل البیت علیه السلام.
 ۲۰. مکارم شیرازی، ناصر. ۱۴۲۲ق، *بحوث فقهیه هامه*، مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
 ۲۱. موسوی خمینی، روح الله. ۱۴۲۵ق، *تحریر الوسیله*، ترجمه علی اسلامی. قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
 ۲۲. نصیری، علی. ۱۳۸۵ش، *حدیث شناسی (۱ و ۲)*، قم، انتشارات سنابل.
 ۲۳. واعظ زاده خراسانی، محمد. ۱۳۸۵ش، *زندگی آیت الله بروجردی*، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.